

اشاره: مقاله حاضر  
به نقش مردم در  
جامعه و حکومت  
و وظایف و تکالیف  
آن‌ها و مسئولین در  
برابر مردم از منظر  
نهج البلاغه می‌پردازد.

# نقش مردم در جامعه و حکومت و وظایف و تکالیف آن‌ها از منظر نهج البلاغه

هادی محقق

## مردم: پایه دین

انما عماد الدین و جماع المسلمین ، و العده للاعداء ، العامه ملت الامة، پایه دین و جمعیت مسلمانان و ذخیره دفاع از دشمنان تنها توده ملت هستند.<sup>۱</sup> نقش مقابل مردم و زمامداران در اصلاح همدیگر قَبِیْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِیَّةَ الْاِیْضاحُ الْاَوْلَادِ و لَا تَصْلُحُ الْاَوْلَادُ اِلَّا بِاسْتِیْقَامَةِ الرَّعِیَّةِ؛ مردم جز با اصلاح زمامداران اصلاح نمی‌شود و زمامداران تنها با استقامت رعیت اصلاح می‌شود.<sup>۲</sup>

## نقش مردم در شکل گیری حکومت

أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ، وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يَهْرَأُوا عَلَى كَطَلِهِ طَالِمًا، وَلَا سَعَبَ مَظْلُومٍ، لِأَنِّي قَبِیْسَتْ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا، وَاسْقَيْتُ أَخْرَهَا بِكَأْسٍ أَوْلَهَا؛ به هوش باشید! سوگند به آفریدگاری که دانه را شکافت و به جنبنده‌ها جان بخشید اگر: حضور انبوه مردم در صحنه نبود و اگر وجود این همه یاران، حجت را تمام نمی‌کرد و اگر نبود آن تعهدی که خدا از دانشمندان گرفته است تا در برابر شکوای ستمگر و گرسنگی مظلوم بی تفاوت نمانند، مهار ستر خلافت را بر کوهانش می‌افکنم و آخرین ستر این کاروان را به کاسه اولین آن سیراب می‌کردم.<sup>۳</sup>

## نقش مردم در سقوط حکومت

فانما اهلك من كان قبلكم انهم نموا الناس الحق فاشتروه ، و اخذوهم بالباطل فاقضوه، هلاکت و بدیختی کسانی که پیش از شما بودند به دو دلیل بود: نخست این که آن‌ها مردم را از حق خود باز داشتند لذا ناچار شدند حق خویش را از طریق رشوه و راه‌های نادرست از ایشان خریداری‌کنند. دیگر این که آن‌ها مردم را به باطل سوق دادند و آنان از وی پیروی کردند.<sup>۴</sup>

## نیاز مردم به حکومت

فرض الله...الامامة نظاما لامة، خداوند امامت - تشکیل حکومت و وجود رهبری - را برای پایداری امت لازم نمود.<sup>۵</sup>

## حقوق مقابل مردم و مسئولین

ایها الناس ان لی علیکم حقا ، و لکم علی حق : فاما حکمک علی فالنصیحة لکم ، و توفیر فینکم علیکم و تعلیمکم کیلا تجهلوا و تادیبکم کیما تعلموا و اما حقی علیکم فالوفاء بالبیعة و النصیحة فی المشهد و المغیب و الاجابه حین ادعوکم ، و الطاعة حین امرکم. مردم مرا بر شما و شما را بر من حقی است اما حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت‌المال شما را در راه شما صرف کنم و شما را تعلیم دهم تا از جهل و نادانی نجات یابید و تربیتان کنم تا فراگیرید. و اما حق من بر شما این است که در بیعت خویش با من وفادار باشید و در آشکارا و نهان خیرخواهی را از دست ندهید. هر وقت شما را بخوانم اجابت نمایید و هر گاه فرمان دادم اطاعت کنید.<sup>۶</sup>

## وظایف و تکالیف مردم

### اطاعت از خداوند

ایها الناس ، انه من استصح الله وفق ، و من اتخذ قوله دلیلا هدی اللیی هی اقوم] فان جبار الله امن ، و عبده خائف ، و انه لا ینبغی لمن عرف عظمه الله ان یعظم ، فان رفعه الذین یعلمون ما عظمته ان یتواضعا له و سلامه الذین یعلمون ما قدرته ان یتستلموا له. ای مردم هر کس از خداوند درخواست نصیحت کند [و اطاعت او امرش را بنماید] موفق می‌شود و آن کس که قول خداوند را دلیل و راهنمای خود قرار دهد به استوارترین راه هدایت یابد. زیرا کسی که به خدا پناه آورد ایمن گردد و دشمن خداوند را همواره خائف است. سزاوار نیست آن کس که عظمت خدا را شناخت خود را بزرگ بشمرد بلکه بزرگی و عظمت آنان که از مقام بزرگ خدا آگاه می‌شوند در این است که در برابرش متواضع و سلامت آنان که از قدرت نامحدود او آگاهند این است که در برابرش تسلیم گردند.<sup>۷</sup>

### تبعیت از قرآن

وَأَعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يُفْسِدُ، وَالْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ، وَالْمَحْدَثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ، وَمَا جَاسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدًا إِلَّا قَامَ عَنْهُ زِيَادَةٌ أَوْ نَقْصَانٌ: زیاده فیهی، اَوْ نَقْصَانٌ مِنْ عَمِّي؛ و نیز بدانید این قرآن تنها ناصحی است که نصیحت خود را به خیانت نمی‌آید، و تنها هدایتگری است که هرگز به گمراهی نمی‌کشد و تنها سخنگویی است که هیچگاه دروغ نمی‌گوید. کسی با قرآن هم‌نشین نشد مگر این که با فزونی و کاستی برخاست، فزونی هدایت و کاستی در کور دلی و ناکاهی.<sup>۸</sup>

### تبعیت از پیامبر اسلام

وَأَسْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِالذِّبْنِ الْمُشْهُورِ، وَالتَّمِيمِ الْمَأْمُورِ، وَالتَّكْوِينِ الْمَسْطُورِ، وَالتَّوَالُفِ السَّاطِعِ، وَالتَّضَامِعِ، وَالتَّأْمُرِ الضَّامِعِ، إِزَاكُهُ لِلشُّبُهَاتِ، وَالتَّخْتِاجِ بِالْإِیْنَاتِ، وَالتَّخْذِيرِ بِالْإِیْنَاتِ، وَالتَّخْوِيفِ بِالْمَسْلُاتِ؛ گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده خداوند است که او را با اینی پرآوازه و پرجمی برافراشته و گنای نگاشته و فروغی درخشان و شعاعی تابان و فرمانی قاطع و بزل، گسیل داشت تا شبیه‌ها را بزداید و با حقایق روشنگر برهان آورد و با آیات الهی هشدار دهد و با یادآوری سنت‌های تاریخ مردم را بیم دهد.<sup>۹</sup>

### تبعیت از اهل بیت

انظروا اهل بیت نبیکم فالزموا سمتهم، و اتبعوا اثرهم، فلن یخرجکم من هدی، ولن یمدوکم فیردی، فان لبسوا فالیدوا، و ان تهنسوا فانهنسوا، و لا تسبقوهم فتنسوا، و لا تتأخروا عنهم فیهلکوا. خاندان پیامبران را به دقت بنگرید و خود را در همسویی با آنان ملزم کنید و گام به گام از آنان پیروی کنید، زیرا که آنان هرگز از راه هدایت بیرون‌تان نمی‌کنند و دیگر بار به پرتگاه جاهلیت شما را نمی‌افکنند. پس اگر نتشستند همراه آنان بنشینید و اگر برخاستند با نهضت شاهنگ هماهنگ شوید، نه بر آنان پیشی گیرید که به گمراهی درافتید و نه از آنان واپس مانید که هلاک شوید.<sup>۱۰</sup>

### حفظ حريم و حدود الهی

إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ، فَلَا تَضِعُوهَا؛ وَخَدَّ لَكُمْ حُدُودًا، فَلَا تَعْتَدُوهَا؛ وَنَهَاكُمْ عَنْ أَسْیَاءٍ، فَلَا تَنْتَهِكُوهَا؛ وَسَكَتَ لَكُمْ عَنْ أَسْیَاءٍ، وَلَمْ يَدْعُهَا نَسِيَانًا، فَلَا تَنْتَكِلُوهَا؛ خدای بزرگ برضیه‌هایی را بر شما واجب شمرده است، پس تباهشان مسازید و مرزهایی تعیین کرده است، از آن حدود یا فراموش نگذارید و شما را از اموری نهی کرده است، حرمت این حريم‌ها را نشکیند، در مواردی نیز سکوت کرده است که بی‌گمان از روی فراموشی آن‌ها را وانهاده است پس خود را - یا کاوش بیهوده در مورد آن‌ها - به رنج و زحمت می‌اندازد.<sup>۱۱</sup>

### توجه به معاد و قیامت

فَإِنَّ الْقَابِيَةَ أَمَّاكُمْ، وَإِنَّ زَوَّاءَكُمْ السَّاعَةَ تَحْدُوكُمْ، تَخَفُوا تَخْفُوا، فَأَيَّمَا يُنْتَظَرُ بِأَوْلِيكُمْ أَحْرَكُمْ؟ پايان راه فراری شماسست و قیامت از پشت سر، شما را به پیش می‌راند، سبکبار شوید تا به پیشتان بیوهید چرا که اولین‌های این کاروان، آخرین نفرهایش را انتظار می‌برد.<sup>۱۲</sup>

### بیدار شدن از خواب غفلت

فافق ایها السامع من سكرتك، و استيقظ من غفلتك، و اختصر من عجلتک و انعم الفكر فيما جاءك على لسان النبی الامی صلی الله علیه و آله و سلم مما لا يد منه و لا محيص عنه، و خالف من خالف ذلك الی غیره، ودعه و ما رضی لنفسه، وضع فخرک، و احطط کبرک و اکثر قیرک، فان علی ممرک، و کما تدین تدان، و کما تززع تحصد و ما قدمت اليوم تقدم عليه غنا، فامهد لتقدمک و قدم لیومک فالحذر الحذر ایها المستمع و الجدد ایها الغافل.

ای شنونده از مستی خود به هوش آی از غفلت بیدار شو و از عجله و شتاب بکاه و در انجام آن‌چه از زبان پیامبر امی صلی الله علیه و آله و سلم به تو رسیده که راه فراری از آن نیست فکرا را به کار بند و با کسیکه این روش را به کار نمی‌بندد و به جانب دیگری متمایل می‌گردد مخالفت کن و او را با آن‌چه برای خویش پسندیده است اکتفا، فخر فروشی را کنار بگذار و از مرکب تکبر به زیر آی. به یاد قیامت باش که گذرگاه تو به سوی عالم آخرت از آن جاست. همان‌گونه که به دیگران جزا می‌دهی به تو جزا خواهند داد و همان‌گونه که بذر می‌افشانی درو خواهی کرد و آن‌چه امروز از پیش می‌فرستی فردا بر آن وارد خواهی شد پس برای خود در سرای دیگر جانی مهیا ساز و برای آن روزت چیزی از پیش فرست. ای شنونده زهرا، زهرا و ای غافل کوشش کوشش.

### اجتناب از هوای نفس

أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَوْخَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ: أَتِيَا الْهَوَى، وَطُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا أَتِيَا الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخْرَجَةَ؛ ای مردم، دو چیز است که بیش از هر موضوع دیگر از گرفتاری شما به آن‌ها نگران و بیمناکم؛ یکی تمییت از هوای و هوس و دیگر آرزوی دور و دراز، زیرا پیروی از هوس‌ها مانع - اجرا و عمل به - حق می‌شود و آرزوهای دراز، آخرت را به فراموشی می‌سپارد.<sup>۱۳</sup>

### عدالت‌خواهی و حق طلبی

وَلَا تَطْلُبُوا بِي اسْتِقْلَالَ، فَيُحَقِّقْ قِيلَ لِي، يُولِي التَّمَانِي اسْتِغْلَامَ نَفْسِي، فَإِنَّهُ مَبِينٌ اسْتَقْتَلَّ الْحَقُّ أَنْ يَقَالَ لَهُ أَوْلِي الْعَدْلَ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ، كَأَنَّ الْعَمَلَ بَعْمَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ فَلَا تَكْفُوا عَنِّ مَقَالَهُ بِحَقِّ، أَوْ مُشَوَّرَهُ بِعَدْلٍ،... فَإِنَّمَا أَنَا وَأَنْتُمْ عَبِيدٌ مَمْلُوكُونَ لِرَبِّ لَئِنْ رَأَيْتَ غَيْرَهُ يَمْلِكُ مَنَّا مَا لَا تَمْلِكُ مِنْ أَنْفُسِنَا؛ و چنین مینارید که اگر ما از سر سخن حق گفته شود مرا گران می‌آید و نیز گمان مبرید که من خواهان بزرگداشت خویش - تملق - هستم زیرا آن که از شنیدن حق و یا از پیشنهاد عدالت احساس سنگینی کند، عمل نظر عدل دریغ نکند. واقعیت این است که من و شما همگی بندگان پروردگاری هستیم که جز او خدایی نیست و او بیش از آن‌چه ما نسبت به خود مالکیم بر ما تملک دارد.<sup>۱۴</sup>

### صبر و استقامت تا رسیدن به هدف

الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ الْهَيْبَةُ الْهَيْبَةُ، وَالْإِسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ، ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ وَالْوَرَعُ الْوَرَعُ، إِنَّ لَكُمْ نَهَابَهُ فَأَنْتَهُوا إِلَيَّ نَهَابَتِكُمْ، وَإِنَّ لَكُمْ عِلْمًا فَأَهْتَدُوا بِعِلْمِكُمْ، وَإِنَّ لِلْإِسْلَامِ غَايَةَ فَأَنْتَهُوا إِلَيَّ غَايَتِهِ؛ عمل! عمل! پس از آن: عاقبت، عاقبت؛ و نیز: استقامت، استقامت؛ سپس: صبر! صبر! و: پارسایی، پارسایی؛ بی‌گمان هر یک از شما را نهایت و هدفی معین است، پس راه خود به آخر برید، و بی‌تردید برای شما پرچم و نشانی است، به دنبال پرچم خویش هدایت جوید اسلام را نیز غایت و هدفی است، شما باید به سوی آن هدف نهایی به پیش روید.<sup>۱۵</sup>

### پرهیز از اشرافی‌گری و رفاه‌طلبی

وَاللَّهُ مَسْتَأْذِنُكُمْ سُكْرَكُمْ وَ مَوْرَثُكُمْ أَمْرَهُ، وَمَمْلِكُكُمْ فِي مَضَامِرٍ مَحْدُودٍ، لِنَسْتَأْذِنُكُمْ سَبْقَهُ، فَيُشَوِّرُ عَقْدَ الْعَمَلِ، وَأَطْلُقُوا أَفْئُولَ الْخَوَاصِرِ، وَلَا تَجْتَمِعْ غَزِيمَةٌ وَوَلِيمَةٌ، مَا أَنْقَضَ السُّؤْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ، وَأَمْحَى الظُّلَمَ لِتَذَاكِيرِ الْهَيْبَةِ؛ خدای تبارک و تعالی ادای شکر خویش را از شما طلبیده است و وارث امر خود فراتر آن داده است. او شما را در میدان زندگی فرصت تمرین و آزمایش داده است تا از یکدیگر گوی سبقت بربایید، پس کمربندها را محکم ببندید شکم‌ها را از طعام افزون نهی نگه دارید، بداندید که هرگز عزم استوار با سورد چرانی قابل جمع نیست؛ چه بسیار خواب شبانه، که آرزوهای روز را درهم می‌شکنند و چه بسیار سیاه‌ها و تاریکی‌ها - ی‌گونه‌گون - که بر یاد آوری و توجه به اهداف پرده می‌پوشد.<sup>۱۶</sup>

### عبرت‌گیری

إِنَّ مَنَ صَرَّحَتْ لَهُ الْبُيْرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الثَّمَلَاتِ جَزَّزَتْهُ التَّقْوَى عَن تَقَحُّمِ الشَّهْبَاتِ؛ بی‌گمان کسی که حوادث عبرت‌آموز تراخ، بازتاب‌های هشدار دهنده خود را فراروش نهدا باشد، پرهیز کاری - حاصل از تجربه‌های تلخ - او را در فرود افتادن در امواج فتوح‌ها و شهوات باز خواهد داشت.<sup>۱۷</sup>

### پرهیز از دنیازدگی

فلکن الدنيا فی اعینکم اصغر من حثالة القرح ، و قراضه الجلم ، و انظنوا بمن کان قبلكم ، قبل ان يتعظ بکم من بعدکم ، و ارفضوها ذمیمه ، فانها قد رفعت من کان اشغف بها منکم. ای مردم دنیا در چشم شما باید کم ارزش تر از پوست درخت و اضافیهایی مقراضه‌ای که با آن پشم حیوانات را می‌چینند بوده باشد از پیشینیان بند بگیرید پیش از آنکه آیندگان از شما بندگیرند! جهان پست و مذموم را رها کنید زیرا که افرادی را که از شما شیفته تر نیست به آن پیوه اند رها ساخت.<sup>۳۳</sup>

### وظایف مسئولین در برابر مردم

#### خدمت‌گزاری

وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَّلَكِنَّهُ فِيمُنْفَكِّكَ أَمَانَةٌ، وَ أَنْتَ مُسْتَرْغَى لِمَنْ قَوْفَكَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تُنْفَتَاتَ فِي رَجْعِهِ، وَلَا تُخَاطَبُ إِلَّا بِوَيْتِهِ؛ بی‌گمان کاری که به تو سپرده شده است، لقمه‌ای چرب نیست، بلکه بار آمانتی برگردن تو است که در حفظ آن بساید در برابر ما فوق خودت پاسخگو باشی. تو را نرسد که درباره مردم، خودسرانه تصمیم بگیری و یا بدون مجوز و پشتوانه اطمینان‌بخشی به کارهای خطر اقدام کنی.<sup>۳۴</sup>

#### مشورت

مَنْ مَلَكَ اسْتَأْذَرَ وَ مَنْ اسْتَيْدَ بَرَأَهُ هَلَكَ، وَمَنْ شَاوَرَهُ الرِّجَالَ شَارَكَهُا فِي عَقُولِهَا؛ هر کس که فرمانروایی یابد خود را بر دیگران ترجیح دهد و هر که خودکامگی پیشه کند در گرداب نابودی درافتد و هر که با مردم مشورت کند در اندیشه آنان شرکت جوید.<sup>۳۵</sup>

#### مهربانی

فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ... با مردم، فروتن و نرم خو و مهربان باش...<sup>۳۶</sup>

#### رسیدگی به نیازهای مردم

تَقَدَّرَ أَمْرٌ مَنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَقْتَحِمُهُ الْعِيُونَ وَ تَحْقِرُهُ الرِّجَالُ، فَفَرِّغْ لَأَوْلِيكَ بِتَفَكُّكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَ التَّوَاضِعِ فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أَمْرَهُمْ، ثُمَّ اعْمَلْ فِيهِمْ بِالْإِعْطَارِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ، به کارهای کسانی که به تو دسترسی ندارند، آنان که در

### بصیرت

إِنَّ الْفَتْنَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ نَبَّهَتْ؛ بِنُكْرُونَ مَقِيَلَاتٍ، وَتَبَعْرَفُونَ مَذْبِرَاتٍ، يَخْمَنُ خَوْمُ الرِّيحِ، يَصْنَعُ بَلَدًا وَيُخَطِّطُنْ بِلَدَا، فتنه‌ها چون روی می‌آورند فضا را به شبهه می‌آیند (فضا را مشتبه می‌کنند) و چون پشت می‌کنند، آگاهی می‌بخشند. هنگام روی آوردن - در آغاز - ناشناختنانه، اما به گاه رفتن - و بروز آشار - شناخته می‌شوند هجومشان گردبادی کور را می‌ماند که به شهری فرود می‌آیند و شهری دیگر را نادیده می‌گیرند.<sup>۳۷</sup>

### نیکی و احسان

فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ وَ لِيُحْسِنْ مِنْهُ الضَّيَافَةَ وَ لِيُفِكَ بِهِ الْأَسِيرَ وَ الْعَامِيَ وَ لِيُهَيِّطَ مِنْهُ الْفَقِيرَ وَ الْعَارِمَ وَ لِيُبَضِّرْ نَفْسَهُ عَلَى الْحَقِّقِ وَ التَّوَابِ اِتِّعَانَةَ الشُّوَابِ؛ هر کس که خدا مالی را به او ببخشد باید به خوشبودن خود ببخشد، و سفره‌های مهمانی بگستراند و اسیر و رنج‌دیده را آزاد کند و از آن به نیازمند و بدهکار بپردازد و برای به دست آوردن ثواب الهی در برابر پرداخت حقوق، شکیبایی کند.<sup>۳۸</sup>

### مردمداری

خَالَطُوا النَّاسَ مَخَاطَلَةً إِنْ مَتَّعْتُمْهَا بِكُؤَا عَلِيكُمْ وَ إِنْ عَشَّمْتُمْ خُؤَا إِلَيْكُمْ، و درود خدا بر او، فرمود: با مردم آن‌گونه معاشرت کنید، که اگر فردید بر شما اشک ریزند، و اگر زنده ماندید، با استیجاب سوی شما آیند.<sup>۳۹</sup> پرهیز از جهل و بی‌بصیرتی  
إِلَى اللَّهِ اشْتُكُوا مِنْ مَعْشَرٍ يَمِيشُونَ جَهْلًا، وَ يَمُوتُونَ ضَلَالًا به خاوند شکوه می‌کنم از مردمی که در جهل زیستند و در ضلالت مردند.<sup>۴۰</sup>

### جهاد و مقاومت

فمن تركه رغبه عنه البسه الله ثوب اللز ، و شمله البلاد و ديت بالصغار و التماسه ، و ضرب على قلبه بالاسهاب و ادبل الحق منه تضبيع الجهاد ، و سيم الخسف ، و منع النصف استهياض الناس. مردمی که از جهاد روی برگردانند خاوند لباس دلت بر تن آن‌ها می‌پوشاند و بلا به آنان هجوم می‌آورد حقیر و ذلیل می‌شوند عقل و فهمشان تباه می‌گردد و به خاطر تضبيع جهاد حق آن‌ها پایمال می‌شود و نشانه‌های دلت در آن‌ها آشکار می‌گردد و از عدالت محروم می‌شوند.<sup>۴۱</sup>



خاندان پیامبرتان را به

دقت بنگرید و خود را

به همسویی با آنان ملزم

کنید و گام به گام از آنان

پیروی کنید، زیرا که

آنان هرگز از راه هدایت

بیروتان نمی‌کنند و دیگر

بار به پر تگاه جاهلیت شما

رانمی‌افکنند. پس اگر

نشستند، همراه آنان بنشینید

و اگر برخاستند با نهضتشان

هماهنگ شوید، نه بر آنان

پیشی بگیرید که به گمراهی

دراقتید و نه از آنان واپس

مانید که هلاک شوید.



دیده‌ها خوانند و بزرگان آن‌ها را کوچک می‌شمارند، کسانی را که مورد اعتماد هستند و فروتنی و خداترسی و فروتن باشند، برای تقدیر حال آن گروه وقت بگذارد تا درخواست‌های آنان را بدون کم و کاست به تو برسانند.<sup>۳۷</sup>

#### دوری از تبعیض

و اسی بینهم فی اللخظه و النظره حتی لا یطمع العظماء فی حیفک لهم و لا ینس الضعفاء من عدلک علیهم. به همگان به یک چشم بنگر، خواه به گوشه چشم بنگری و خواه خیره شوی تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوان ننهند و ناتوانان از عدالتت مأیوس نگردند.<sup>۳۸</sup>

#### کنمان کردن اسرار و عیوب مردم

و لیکن ابعده رعیتک منک ، و اشناهم عنکد ، اطلمهم لمعائب الناس فان فی الناس عیوبا الوالی احق من سترها فلا تکشفن عما غاب عنک منها فانما علیک تطهیر ما ظهر لک ، و الله ینحکم علی ما غاب عنک فاستر العوره ما استطعت یستر الله منک ما تحب ستره من رعیتک. باید آن‌ها که نسبت به رعیت عیب‌چوتروند از تو دورتر باشند زیرا مردم عیبی دارند که والی در ستر و پوشاندن آن عیوب از همه سزاوارتر است. در صدد میباش که عیب پنهانی آن‌ها را به دست آوری بلکه وظیفه تو آن است که آن‌چه برایت ظاهر گشته اصلاح کنی. و آنچه از تو مخفی است خدا درباره آن حکم می‌کند بنابراین تا آن‌جا که توانائی داری عیوب مردم را پنهان ساز تا خداوند عیبی را که دوست داری برای مردم فاش نشود مستور دارد.<sup>۳۹</sup>

#### پرهیز از کینه‌جویی و دشمنی

اطلق عن الناس عقده کل حقد و اقطع عنک سبب کل وتر و تغاب عن کل ما لا یضج لک ، یا بر بخورد خوب [عقده آن‌ها را که کینه دارند بگشا و اسباب دشمنی و عداوت را قطع کن و از آنچه برایت روشن نیست تغافل نما].<sup>۴۰</sup>

#### خوشبین کردن مردم

و اعلم انه لیس شیء ابداعی الی حسن ظن راع برعیته من احسانه الیهم و تخفیفه العوونات علیهم ، و ترک استکراهه ایاهم علی ما لیس له قبلهم فلیکن منک فی ذلک امر ینتجع لک به حسن الظن برعیتک ، فانه حسن الظن یقطع عنک نصبا و یولیا و ان احق من حسن ظنک به لمن حسن بلاؤک عنده ، و ان احق من ساء ظنک به لمن ساء بلاؤک عنده. بدان که هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به وفاداری رعیت بهتر از احسان به آن‌ها و تخفیف هزینه‌ها بر آنان و عدم جبارشان به کاری که وظیفه ندارند نیست در این راه آن قدر بکوش تا به

وفاداری آنان خوشبین شوی [و بر آنان اعتماد کنی] که این خوشبینی بار رنج فراوانی را از دوشت برمی‌دارد. سزاوار است به آن‌ها که بیشتر مورد احسان تو قرار گرفته‌اند خوشبین‌تر باشی و به عکس آن‌ها که مورد بدرفتاری تو واقع شده‌اند بدبین‌تر.<sup>۴۱</sup>

#### حل مشکلات مردم

و اجعل لذوی الحاجات منک قسما تفرغ لهم فیه شخصک و تجلس لهم مجلسا عاما فتتواضع فیه لله الذی خلقک. برای مراجعان خود وقتی مقرر کن که به نیاز آن‌ها شخصا رسیدگی کنی مجلس عمومی و همگانی برای آن‌ها تشکیل ده و درهای آن را به رویهی هیچ کس نبند و بخاطر خداوندی که ترا آفریده تواضع کن.<sup>۴۲</sup>

#### سعه صدر و گشاده‌رویی

ثم احتمال الخرق منهم و العی و نح عنهم الضیق و الانف یسب الله علیک بذلک اکثاف رحمته، و یوجب لک ثواب طاعته. خشونت و کندی آن‌ها را در سخن تحمل کن در مورد آن‌ها هیچ‌گونه محدودیت و استکبار روا مدار که خداوند به واسطه این کار رحمت واسعه‌اش را بر تو گسترش خواهد داد و موجب ثواب اطاعت او برای تو خواهد شد.<sup>۴۳</sup>

#### پرهیز از رانت‌خواری و فامیل‌بازی

ثم ان للوالی خاصه و بطانه ، فیهم استئثار و تطاول ، و قلّه انصاف فی معامله فاحسب ماده اولئک یقطع اسباب تلک الاحوال و لا تقطعن لاحد من حاشیتک و حامتک قطیعه و لا یطمعن منک فی اعتقاد عقده ، تضر بمن یلیها من الناس فی شرب او عمل مشترک ، یحملون مؤنثه علی غیرهم فیکون مهنا ذلک لهم دونک ، و عیبه علیک فی الدنیا و الاخره. سپس بدان برای زمامدار خاصان و صاحب اسراری است که خودخواه و دست درازند و در داد و ستد با مردم عدالت و انصاف را رعایت نمی‌کنند ریشه ستم آنان را با قطع وسایل از بیخ برکن و به هیچ یک از اطرافیان و بستگان خود زمینی از اراضی مسلمانان وامگذار و باید طمع نکنند که قراردادی به سود آن‌ها منعقد سازی که مایه ضرر سایر مردم باشد خواه در آبیاری و یا عمل مشترک دیگر به طوری که هزینه‌های آن را بر دیگران تحمیل کنند که در این صورت سودش برای آن‌ها است و عیب و ننگش برای تو در دنیا و آخرت است.<sup>۴۴</sup>

#### لزوم مسئولیت‌پذیری در برابر مردم

و ایاک و الاستئثار بما الناس فیه اسوه و التناهی عما تعنی به مما قد وضع للعبون فانه ماخوذ منک لغیرک و عما قلیل



تکشف عنک اغطیه الامور ، و يتنصف منک للمظلوم. از امتیازخواهی برای خود در آن چه مردم در آن مساوی هستند بپرهیز و از تغافل از آن چه مربوط به توست و برای همه روشن است برحذر باش چرا که به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسؤولی و بزودی پرده از روی کارهایت کنار می‌رود و انتقام مظلوم از تو گرفته می‌شود.<sup>۲۵</sup>

#### رحمت و محبت

و اشعر قلبک الرحمه للرحمه ، و المحبه لهم ، و اللطف بهم و لا تکونن علیهم سیما ضاربا تتنتم اکلهم ، فانهم صنفان ؛ اما الخ لک فی الدین ، او نظیر لک فی الخلق. قلب خویش را نسبت به ملت خود مملو از رحمت و محبت و لطف کن و همچون حیوان زنده‌ای نسبت به آنان مباحش که خوردن آنان را غنیمت شماری زیرا آن‌ها دو گروه بیش نیستند: یا برادران دینی تو و یا انسان‌هایی همچون تو هستند. گاه از آن‌ها لغزش و خطا سر می‌زند.<sup>۲۶</sup>

#### انصاف

انصف الناس من نفسک ، و من خاصه اهلک ، و من لک فیه هوی من رعیتک فانک الا تفعل تطلم و من ظلم عباد الله کان الله خصمه دون عبادم. نسبت به خداوند و نسبت به مردم از جانب خود و از جانب افراد خاص خاندانت و از جانب رعایایی که به آن‌ها علاقه‌مندی انصاف به خرج ده که اگر چنین نکنی ستم نموده‌ای و کسی که به بندگان خدا ستم کند خداوند پیش از بندگان دشمن او خواهد بود.<sup>۲۷</sup>

#### جلب رضایت مردم

احب الامور الیک اوسطها فی الحق ، و اعماها فی العدل ، و اجمعها لرضی الربه فان سخط العامه یجحف رضی الخاصه ، و ان سخط الخاصه یتقصر مع رضی العامه. باید محبوب‌ترین کارها نزد تو اموری باشند که در حق با عدالت موافق‌تر و با رضایت توده مردم هماهنگ‌تر است. چرا که خشم توده مردم خشنودی خواص را بی‌اثر می‌سازد اما خشنودی خاصان با رضایت عموم جبران‌پذیر است.<sup>۲۸</sup>

#### عدالت و دادگری

فاحفض لهم جناحک ، و الن لهم جانبک ، و ابسط لهم وجهک و اس بینهم فی اللحظه و النظره ، حتی لا یلمع العظماء فی حیفک لهم. بال‌های محبتت را برای آن‌ها بگستر و پهلوی نرمش و ملایمت را بر زمین بگذار چهره خویش را برای آن‌ها گشاده دار و تساوی در بین آن‌ها حتی در نگاه‌هایت را مراعات کن تا بزرگان کشور در حمایت بی‌دلیل تو طمع نوزند و ضعفه در انجام عدالت از تو مایوس نشوند.<sup>۲۹</sup>



- بی‌نوشت‌ها  
۱. نامه ۵۲.  
۲. خطبه ۲۱۶.  
۳. خطبه ۳.  
۴. نامه ۷۹.  
۵. خطبه ۳۳.  
۶. خطبه ۳۴.  
۷. خطبه ۱۱۴.  
۸. خطبه ۱۷۴.  
۹. خطبه ۲.  
۱۰. خطبه ۹۶.  
۱۱. حکمت ۱۰۵.  
۱۲. خطبه ۲۱.  
۱۳. خطبه ۴۴.  
۱۴. خطبه ۲۱۶.  
۱۵. خطبه ۱۷۴.  
۱۶. خطبه ۲۳۸.  
۱۷. خطبه ۱۶.  
۱۸. خطبه ۹۲.  
۱۹. خطبه ۱۴۲.  
۲۰. حکمت ۱۰.  
۲۱. خطبه ۱۷.  
۲۲. خطبه ۲۷.  
۲۳. خطبه ۳۲.  
۲۴. نامه ۵.  
۲۵. حکمت ۱۶۱.  
۲۶. نامه ۵۳.  
۲۷.  
۲۸. نامه ۲۷.  
۲۹. نامه ۵۳.  
۳۰. نامه ۵۳.  
۳۱. نامه ۵۳.  
۳۲. نامه ۵۳.  
۳۳. نامه ۵۳.  
۳۴. نامه ۵۳.  
۳۵. نامه ۵۳.  
۳۶. نامه ۵۳.  
۳۷. نامه ۵۳.  
۳۸. نامه ۵۳.  
۳۹. نامه ۲۷.

از امتیازخواهی برای خود  
در آن چه مردم در آن  
مساوی هستند بپرهیز و از  
تغافل از آن چه مربوط به  
توست و برای همه روشن  
است بر حذر باش چرا که  
به هر حال نسبت به آن در  
برابر مردم مسؤولی و بزودی  
پرده از روی کارهایت کنار  
می‌رود و انتقام مظلوم از تو  
گرفته می‌شود.

